



گفتگو

دوشنبه ۹ مهر ۱۳۹۸
۲۲ صفر ۱۴۴۱
سال ۱۳۹۸
شماره ۹۰۹
ZENDECHI@QUDSONLINE.IR

روزمره نگاری

دست از سر هم بر نمی داریم

رقیه توسلی: توی مطب نشسته‌ایم. همه سرشان توی گوشی است. پیر و جوان، زن و مرد، حتی منشی عصبانی. توی اتوبوس نشسته‌ایم. یک درمیان همه با گوشی مشغولند.

توی میهمانی نشسته‌ایم. بعد از سلام و علیک و چند جمله روتین، همه دلشان هوای گوشی‌شان را می‌کند. توی رستوران، محل کار، سینما، پارک و همه جا.

چند روزی است به موبایل که روی میز خوابیده، جور دیگری نگاه می‌کنم... واقعاً از کی - این دستگاه پُر از آب - صمیمی‌ترین به ما شده...؟ از کی ذائقه‌مان این قدر تغییر کرده که فضای نفس کشیدنمان هم مجازی شود...؟ از کی صبح‌ها که بیدار می‌شویم دنبالش می‌گردیم و شب‌ها او آخرین چیزی است که ترکش می‌کنیم...؟

بیلچه گلدار و دستکش‌ها را برمی‌دارم و می‌روم خاک چند گلدان را زیرورو کنم. گنجشک‌ها هم آمده‌اند کنارم نان خرده‌ها را نوش جان کنند. پاییز توی باغچه محشر است؛ برگ‌های زرد و نارنجی، لیموترش‌ها و پرتقال‌های سبز، آفتابی که با ابرها قایم باشک بازی می‌کند.

اینجور که پیداست سه گلدان باید مرمت شوند. زحمت آوردن خاک تازه را «فرید» جان کشیده. من و گلدان‌ها کلی دعایش می‌کنیم.

کار که تمام می‌شود آب می‌ریزم پای تمام گل‌ها. صفای دیگری می‌گیرد حیاط. نفس عمیق می‌کشم و دلم مثل سابق می‌خواهد ثبت کنم این لحظات را و بغیرستم برای دلبندام.

اما حیف که نمی‌شود و در حصار قانونم استفاده صحیح از موبایل را دو روزی است تصویب کرده‌ام. یک ساعت بعد، سیل صداست که برمی‌خیزد. موبایل ۹۳ درصد شارژ را در آغوش می‌گیرد و می‌بینم همه اظهارنظر کرده‌اند... با طیب خاطر می‌روم قلم‌ها و عکس‌های باغچه را به عزیز نشان بدهم.

بله... طاعت نیاردم و خیلی راحت قانون‌شکنی کردم و برگشتم به دامن اعتیاد... می‌بینم وقتی او خواب است چقدر احساس تنهایی می‌کنم و دلم برای دنیای بی‌هیجان و ساکنم می‌سوزد، به حال تضادهای نادرست و ایضاً به حال تکلیف بالاتکلیفی که به آن مبتلا شده‌ایم بیشترمان.

غرولند: چرا امواج موبایل، شیرینی خامه‌ای، گرانی، دلتنگی، ترافیک و فرشته شانه چپ دست از سرمان بر نمی‌دارند؟ چرا قصه چوپان دروغگو دو روزی است پاییز را پُر کرده...؟

گفت‌وگو با اشکان رهگذر، کارگردان پویانمایی «آخرین داستان» که اثرش به رقابت اسکار ۲۰۲۰ راه یافته است

نبرد کاوه و ضحاک در سرزمین هالیوود



چگونه «اوریاکانا فالاجی» شیفته شخصیت امام خمینی شد؟

تیرهایی که به سنگ خورده

مصاحبه اوریا نا

فالاجی با امام

۱۲ صفحه چاپ دوم

اطلاعات

دوشنبه دوم مهرماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵۹۶۰ - تکه شماره ۱۵ ریتال



مقررات

بازگشت

بخدمت

کارمندان

دانشگاهیان

وقضات

بازنشسته

* کارمندانیکه با استفاده از تبصره ۷۴ آذسوی وزارتخانه‌ها بازنشسته شده‌اند در صورت نیاز ادارات بکار برمیگردند در صفحه ۲

به بعضی اشخاص که این‌ها را می‌شناختند به اینکه الهی هستند روی می‌آورد و این آزادی است.

ما هم متأسفیم

بقیه پرسش‌ها و ماجرا هم آن جور که «فالاجی» فکر کرده بود پیش نرفت حساب کرده بود، سوژه‌اش پیرمردی است که خیلی از پیچ و خم‌های دنیای سیاست خبر ندارد و خبرنگار جماعت را هم درست نمی‌شناسد. حساب کرده بود در سؤال چهارم یا پنجم می‌تواند این پیرمرد کم صبر و حوصله را زیر فشار بگذارد و گیجش کند. چشم بدوزد در چشم‌های امام(ره) و با شهادت بگوید: «... دنیا یک قیافه‌ای از شما، قیافه سخت، خشن و ترسناکی درست کرده. آیا این قیافه‌ای که از شما ساخته‌اند برای شما بنحواً آور نیست. شما را دیکتاتور جدید ایران می‌خوانند، این شما را ناراحت نمی‌کند؟...» امام(ره) اما بدون اینکه سر بلند کند با همان آرامش ابتدای مصاحبه گفته بود: «از یک جهت البته ناراحتی دارد و آن اینکه دشمن‌های ما چقدر بر خلاف انسانیت عمل می‌کنند. ما متأسفیم که یک طایفه‌ای این قدر بر خلاف انسانیت، بر خلاف انصاف رفتار کنند... و از چپتی به نظر ما اهمیتی خیلی ندارد. برای اینکه ما یک راه حقی می‌رویم... و البته در یک راه حقی که در مقابل ابرقدرت‌هاست... من نمی‌توانم متوقع باشم که آن‌ها بنشینند و نگاه بکنند... این برای ما خیلی بی‌سابقه نیست... ما هم می‌دانیم که در روزنامه‌ها آن‌ها هر چه دلشان بخواهد تهمت می‌زنند... ولی من متأسفم که دشمن‌ها این قدر خلاف انصاف و خلاف انسانیت عمل کنند».

شما دلت نسوزد

«مسعود بهنود» که آن روزها در جوانی شیفته شهرت «فالاجی» بود، شب همان روزی که مصاحبه انجام می‌شود به دیدار روزنامه‌نگار مشهور و بی‌برای ایتالیایی می‌رود. به قول خودش اما فالاجی متفاوتی را می‌بیند که انگار از این رو به آن رو شده است «... بسیار شیفته آقای خمینی شده بودم... می‌گفت این آدم از دنیای دیگری آمده... فلان کار دینال در وایت‌یکان درست می‌گفت که خمینی، مسیح ثانی است».

همه این‌ها و تعریف و تمجیدهای بعدی «فالاجی» از امام(ره) در حالی است که به قول «بهنود» امام(ره) در مصاحبه خیلی صریح و بی‌تعارف است و ذره‌ای روی خوش به خانم روزنامه‌نگار نشان نمی‌دهد. می‌کنند که دشمن‌ها می‌کشند، این‌ها را دارم می‌خوانم «بهنود» شاید مربوط به پرسشی است که «فالاجی» درباره حجاب اجباری می‌پرسد و تلاش دارد وانمود کند در ایران فقط زنان چادری حق فعالیت و مشارکت دارند. امام(ره) اما بعد از توضیح درباره فلسفه حجاب، با طنزی رقیق یادآوری می‌کنند که اسلام به‌خصوص برای پیرزنان اصلاً سختگیری نمی‌کند: «برای حدود زن‌هایی که به سن و سال شما رسیده‌اند هیچ چیزی نیست... ما زن‌های جوانی که آرایش می‌کنند و می‌آیند، یک فوج را دنبال خودشان می‌کشند، این‌ها را داریم جلوشان را می‌گیریم... شما دلتان نسوزد». بعد هم با این جمله: «... من دیگر بلند شوم...» پایان مصاحبه را اعلام می‌کنند.

ستون کوچک در یک روزنامه محلی، به خبرنگاری بین‌المللی که برای معتزترین نشریات اروپا قلم می‌زد تبدیل شد. از روزنامه‌نگاری به عنوان پلی برای رسیدن به نویسندگی اسم می‌برد. می‌گفت روزنامه‌نگار شهادت تا مقدمات نویسندگی را بیاموزم. اما علاوه بر نویسندگی، مصاحبه کردن را هم خیلی خوب یاد گرفت. طوری که با سماعت و جسارت، سوژه‌هایش را به چالش می‌کشید و در نهایت هم جایی گیرشان می‌انداخت و تیر خلاصش را می‌زد! اغلب شخصیت‌ها و سیاستمداران، از یاسر عرفات بگیریم تا ایندیرا گاندی، گلدامایر، شاه، قذافی، ملک حسین و حتی هنری کیسینجر به این دام «فالاجی» افتادند و در پاسخ به یک پرسش غیرمنتظره، حرفی را که تا آن روز نرده بودند، زدند. «کیسینجر» که خودش به سیاست‌دانی و سیاسی‌کاری و سیاسی حرف زدن مشهور است وقتی توسط «فالاجی» به‌شدت سؤال پیچ شد، گفت: «من خود را فقط یک گلوباز آمریکایی می‌دانم که گله و کاروانی از گاوها به دنبال می‌آیند!» این گفته سیاستمدار آمریکای موحی از اعتراض رهبران سیاسی آن زمان را در جهان به دنبال داشت و «کیسینجر» تا مدت‌ها مجبور بود روی این گاف و گند ماله بکشد.

ایران دست من نیست

اگرچه گاه و بیگاه در حرف‌ها و اظهارنظرهایش رگه‌هایی از اعتقاد به مسیحیت دیده می‌شد اما از آن خاندانابوها و آنتیست‌های دواًت‌شده بود و جوگیر شده باشد و احساسی حرف بزند. «اوریا نا فالاجی» در سال ۱۳۵۸، ۵۰ سالگی را رد کرده و بیشتر از روزنامه‌نگاری، مصاحبه‌گری‌اش در جهان مشهور است. نمونه‌اش اینکه چند سال پیش از اینکه به قم برود و با امام(ره) مصاحبه کند، به تهران آمده و در اوج قدرت محمدرضا پهلوی موفق شده روبه‌روی دیکتاتور خاورمیانه بنشیند، با سؤال‌هایش او را به چالش بکشد و آخر کار هم با چند پرسش جورانه چوری شاه را عصبانی کند تا حرف‌هایی را که نباید بزند، بزند و دردسر درست شود. «فالاجی» طبق گفته خودش پس از این مصاحبه در هتل توسط مأموران ساواک زیر فشار قرار می‌گیرد تا نوارهای مصاحبه را تحویل دهد. روزنامه‌نگار زیرک، البته چون حدس می‌یزد که شاه پس از مصاحبه از عصبانیت و حرف‌هایش بشیمان شود، پیش از اینکه به هتل بیاید، نوارها را تحویل مأمور سفارت ایتالیا می‌دهد تا از سانسور احتمالی در امان بماند.

به دام افتاده‌ها

در زمان زمامداری موسولینی در فلورانس به دنیا آمد. ۹ سال داشت که جنگ جهانی دوم آغاز شد و مشاهدات و تجربیات کودکا‌ش از جنگ در آینده شغلی‌اش تأثیر زیادی داشت. از ۹ سالگی شروع به نوشتن داستان‌های کوتاه کرده بود اما به گفته خودش این داستان‌ها بسیار بی‌جنگانه و بی‌خود بودند. ۱۶ سال داشت که به عنوان خبرنگار در یکی از روزنامه‌های ایتالیایی در فلورانس شروع به کار کرد. هنوز ۲۰ ساله نشده بود که سرشناس شد و به خاطر قدرت بیان بالا، درک خاص سیاسی و جسارت فوق‌العاده‌اش به‌سرعت از نویسنده یک

مجید تربت‌زاده، بیست و چند روزی از مصاحبه می‌گذشت. مشهورترین روزنامه‌نگار زن قرن بیستم پس از مدت‌ها تلاش موفق شده بود ۹ ماه پس از سقوط رژیم پهلوی در قم به دیدار رهبر انقلابی برود که بساط حکومت دیکتاتوری را جمع کرده و داشت باقیمانده‌های این سباط را جارو می‌زد. همه جهان چشم دوخته بودند به دهان و قلم خانم روزنامه‌نگار تا از تجربه دیدار با سرشناس‌ترین چهره مذهبی - سیاسی قرن بگوید و بنویسد. مجله آمریکایی «تایم» هم برای همین به سراغ «اوریا نا فالاجی» رفته بود تا پیشتر از دیگر رقبیان از حس و حال روزنامه‌نگار ایتالیایی بنویسد. «تایم» در ۲۰ اکتبر ۱۹۷۹ یعنی آخرین روزهای مهرماه ۱۳۵۸ مصاحبه‌ای با «فالاجی» را منتشر کرد که در آن گفته بود: «عظمت و پرده‌بازی رهبر انقلاب ایران به‌شدت مرا تحت تأثیر قرار داد... این نخستین بار بود که من یک جلوه روحانی و موهبت الهی را حس کردم...».

۵۰ سالگی

خوب می‌دانید که داریم درباره ۴۰ سال پیش حرف می‌زنیم. «تایم» هم جملهای معمولی یا تبلیغاتی نیست که مثلاً بخواهد با عکس و حرفی از رهبر انقلاب ایران، شهرتی برای خودش به هم بزند. گوینده جمله ستایش‌آمیز بالا در مورد امام خمینی(ره) هم، روزنامه‌نگار تازه‌کار یا شخصیت‌نبدی نیست که به دلیل نخستین مصاحبه با یک شخصیت سرشناس، جوگیر شده باشد و احساسی حرف بزند. «اوریا نا فالاجی» در سال ۱۳۵۸، ۵۰ سالگی را رد کرده و بیشتر از روزنامه‌نگاری، مصاحبه‌گری‌اش در جهان مشهور است. نمونه‌اش اینکه چند سال پیش از اینکه به قم برود و با امام(ره) مصاحبه کند، به تهران آمده و در اوج قدرت محمدرضا پهلوی موفق شده روبه‌روی دیکتاتور خاورمیانه بنشیند، با سؤال‌هایش او را به چالش بکشد و آخر کار هم با چند پرسش جورانه چوری شاه را عصبانی کند تا حرف‌هایی را که نباید بزند، بزند و دردسر درست شود. «فالاجی» طبق گفته خودش پس از این مصاحبه در هتل توسط مأموران ساواک زیر فشار قرار می‌گیرد تا نوارهای مصاحبه را تحویل دهد. روزنامه‌نگار زیرک، البته چون حدس می‌یزد که شاه پس از مصاحبه از عصبانیت و حرف‌هایش بشیمان شود، پیش از اینکه به هتل بیاید، نوارها را تحویل مأمور سفارت ایتالیا می‌دهد تا از سانسور احتمالی در امان بماند.



۱۱۰ ورزش

برد حیاتی نکونام در تبریز

۳ امتیاز سخت پرسپولیس در ورزشگاه خالی

پس از رأی کمیته استیناف

شجاع: این بخشش

به چه دردم می‌خورد؟



ماجرای درخواست ۸۰۰ میلیونی سایپا از استقلال

دردسرهای دشتی

تمامی ندارد

مجاز آباد

به سرود ملی ایران گوش کنید

گروهی از هنرهای ایرانی در پاسخ به توهمین و بی‌احترامی هواوران تیم ملی فوتبال بحرین به سرود ملی ایران در مرحله بازی اخیر دو تیم در دور دوم از مرحله انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، روز گذشته سایت رسمی اتحادیه فوتبال بحرین را هک کرده و در صفحه اصلی این سایت نوشتند: «ما هرگونه بی‌احترامی به ایران را بی‌پاسخ نمی‌گذاریم. نشد در ورزشگاه به سرود ملی ایران گوش کنید، حالا می‌توانید این سرود را گوش کنید». همزمان با این پیام، سرود ملی ایران هم به صورت آنلاین پخش شد. چند ثانیه پس از این ماجرا هم سایت فدراسیون فوتبال بحرین از دسترس خارج شد.

خودرو ایرانی رئیس جمهور تونس

«قیس سعید» هفته گذشته با کسب ۷۶ درصد از آرا، به عنوان رئیس جمهور کشور تونس انتخاب شد. نکته جالب در مورد رئیس جمهور جدید تونس این است که قیس سعید در یک آپارتمان اجارهای ساده در خیابان «بن خلدون» در مرکز پایتخت این کشور زندگی می‌کند و همین ساده زیستی هم حساسی او را در میان مردم محبوب کرده است. روز گذشته اما تصویری از تردد رئیس جمهور جدید تونس با خودرو ساخت ایران در سطح شهر، حساسی در فضای مجازی جنجالی شد. تصویر جنجالی، قیس سعید را بدون هیچ محافظ و راننده‌ای، در داخل یک ۲۰۶ صندوقدار ساخت ایران نشان می‌دهد!

هوای زائران را داشته باشید

با اینکه حدود دو روز از اربعین می‌گذرد اما هشتگ #الحسین_بجمنما همچنان ترند اول توئیتر فارسی است. این بار کاربران از هموطنانمان می‌خواهند برای جبران خدمت‌رسانی عراقی‌ها به زائران ایرانی، هوای زائرانی که برای شهادت امام رضا(ع) به مشهد می‌آیند را داشته باشند. یکی از کاربران نوشته است: «خب، بعد اربعین، نوبت میهمان‌نوازی ایرانی‌هاست در ایام شهادت امام رضا. هتلدارها، اوانبی که خونه و منزل برای زائرا آماده می‌کنن، اوانبی که تو کار حمل و نقل و تاکسیرانی هستن، مغازه‌دارا...به نظر تون ما میهمان‌نواز تیرم یا عراقی؟»

کودکان اربعین

سید بشیرحسینی با انتشار تصویری از پوستر نرم‌افزار موبایلی «کودکان اربعین» در صفحه اینستاگرامش نوشته است: «هیچ مادر صفری نیست که وقتی کار داره یا خیلی خسته‌س، آخرش گوشی رو به بچه‌ها نده. اگر از پیاده‌روی اربعین جا موندید یا دوست دارید خاطرات و صداها و اتفاقی این سفر خاطره‌انگیز رو با کودکان‌تون مرور کنید، حتماً بازی کودکان اربعین رو نصب کنید. واقعاً «آب» جامع و جذابی شده: ۱۳ بازی باحال و پنج داستان کودکان که حال و هوای پیاده‌روی اربعین رو کودکانه و زیبا منتقل می‌کنه».

روایت مجازی

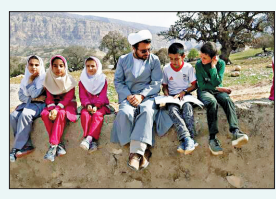
آب رفته به جوی بر نمی‌گردد



قدس زندگی: یکی از دغدغه‌های زائران از اربعین هزینه‌های سنگین اینترنت بود که اپراتورهای داخلی هر سال به مشترکانشان تحمیل می‌کردند. امسال پیش از اربعین، وزیر ارتباطات اعلام کرد تعرفه‌ها با کاهش چشمگیری روبه‌رو شده، اما زمانی که زائران قصد خرید بسته رومینگ از اپراتورهای داخلی را داشتند متوجه شدند برای هر ۱۰۰ مگ باید حدود ۹۰ هزار تومان پرداخت کنند. پس از اینکه انتقادها به قیمت نجومی اینترنت بالا گرفت، آقای وزیر در توئیتر نوشت: «خدمت به زائران اربعین شرف ماست. دیدش با ۳۰ زائر درباره کیفیت خدمات ارتباطی صحبت کردم، گلابه اصلی اینترنتی است که خارج از بسته و با نرخ آزاد محاسبه شده است. از اپراتورها می‌خواهم با کسب رضایت سهامداران عمده خود، همه مصارف را در قالب بسته محاسبه و پول‌های اخذ شده را به زائران بازگردانند». کاربران فضای مجازی اما معتقدند اپراتورها امسال هم مشترکانشان را احساسی تیغ زده‌اند و برخلاف ادعای آقای وزیر، قرار نیست پولی به حساب مشترکان برگردد. در ادامه چند نمونه از توئیتهای منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید: «جناب چهرمی قبض ۵۳۰ هزار تومانی دعاگوی شماست که آن قدر هوای زائر را داشتین... مهندس این‌بار خنجر رو از پشت به زائر زدین و کاری کردین که زائر از سال‌های آینده جرئت جواب دادن تلفنش رو هم نداشته باشه...آب به جوی رفته بر نمی‌گردد آقای وزیر...وزیر جوان بسته یک گیگابایتی ویژه اربعین شما رو خریدم و بدون حتی یک تماس با ایران، سفر سه روزه به عراق ۸۰۰ هزار تومان برام خرج موبایلی برداشت. هوای خلق الله رو بیشتر داشته باشین».

چه خبر؟

نذر متفاوت



قدس زندگی: «اسماعیل آذری‌نژاد» را شاید بشناسید. همان طلیه ۴۰ ساله‌ای که به «روحانی قصه‌گو» معروف است، در فضای مجازی به‌شدت فعال است و شهرت حضورش در روستاها و قصه‌گویی برای کودکان و روش‌های جدید تبلیغ مسائل دینی‌اش به خبرگزاری‌های جهانی و کشورهای دیگر هم رسیده است. او چند روز پیش درباره «نذر» و به‌خصوص سنت نذر فرهنگی حرف‌های جالبی به «پسنا» زده است: «اگر به منابع دینی مراجعه کنیم، با وجود دیگری به جز طعم دادن هم آشنا می‌شویم. برای مثال امیرالمؤمنین نذر می‌کرده که روزی بگیرد یا مادر حضرت مریم وقتی فرزندی به دنیا می‌آید نذر کرده در خدمت معبد می‌باشند... در دین به نذرهای رفتاری بیشتر از نذر غذا تأکید شده است. البته این جمله به معنای این نیست که نذر غذا وجود نداشته باشد. اینکه نذر می‌کنیم غذا دهیم هم به جای خودش خوب است و پشت آن اهداف و فلسفه‌ای وجود دارد... هنگلی که به روستاها سفر می‌کنم و می‌بینم این فضاها فاقد سروس بهداشتی یا مدارس هستند و فقر امکانات آموزشی دارند، با خودم فکر می‌کنم ارتقای دانش دانش‌آموزان اولویت جامعه امروز من است. پس چرا باید حجم زیادی از اموال را برای تقرب به خدا صرف بخت غذا کنیم...البته یکی از طرح‌های امسال من این بود که در هفته دو وعده صبحانه به دانش‌آموزان دهیم. زیرا می‌دیدم دانش‌آموزانی که به مدرسه می‌آمدند، صبحانه نمی‌خوردند و به دلیل فقر مالی، سوت‌تغذیه دارند. اگر همان نذر غذا را برای دانش‌آموزی که سوءتغذیه دارد صرف کنیم، هدفمندتر است».

